



Research Article

The Impact of Managerial Overconfidence on Expenses Classification Shifting: The Moderating Role of Comparability of Financial Statements

Farshid Riahi Dorcheh : Master of Financial Management, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

farshidriahi@ut.ac.ir

Iraj Torabi * : Assistant Professor, Department of Accounting, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

Er.torabi55@iau.ac.ir

Abstract

Expenses classification shifting significantly compromises the quality of core earnings, resulting in misleading information about firms' core and sustainable performance. Classification shifting can be a direct and unintentional consequence of overconfident CEOs' cognitive bias. Also, overconfident CEOs might consciously and intentionally misclassify recurring expenses as nonrecurring items to inflate core earnings; however, if the firms' financial statements are more comparable to those of their industry peers, stronger monitoring leads to fewer opportunities to manage earnings. The purpose of the present study is to investigate the impact of managerial overconfidence on expense classification shifting based on the moderating role of the comparability of financial statements. The sample consists of 130 companies in the period 2015-2022. The results showed that managers' overconfidence leads to increased expense classification shifting and a piecemeal decrease in classification shifting over time. In addition, the comparability of financial statements is an obstacle to managers' overconfidence in expense classification shifting and their piecemeal reduction over time. Therefore, the market participants should pay serious attention to the overconfident CEOs' and the comparability of financial statements to expense classification shifting.

Key words: Expenses Classification Shifting, Managerial Overconfidence, Comparability of Financial Statements.

Introduction

A stream of research shows that managers purposely classify essentially persistent expenses in the special items category and engage in classification shifting. Classification shifting differs from accruals and real earnings management in that it is a less costly earnings management tool that inflates the core performance of the firm and misleads investors about the firm's sustainable core profitability. Prior studies on classification shifting focus mainly on firm-level factors and little is known about whether executive attributes are associated with firms' propensity to engage in classification shifting. Our study fills this void by investigating whether and how an important individual characteristic, CEO overconfidence, is associated with classification shifting. In this regard, considering the opportunities for earnings manipulation, the comparability of financial statements may also play a role in the relationship of Managerial Overconfidence and Expenses Classification Shifting. Also, this research adds to the body of literature probing the financial reporting quality of firms with overconfident managers.

Methods & Material

The statistical population in this research is all the companies listed on Tehran Stock Exchange and the

* Corresponding author

2322-3405 © The author(s) Publisher: University of Isfahan



This is an open access article under the CC-BY-NC 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>).



[10.22108/FAR.2024.142152.2058](https://doi.org/10.22108/FAR.2024.142152.2058)

period under investigation is from 2015 to 2022. In this research, the systematic elimination method was used to reach the sample, and 130 companies were selected as the research sample. The research model is estimated through panel data by controlling the effects of industry and year by ordinary least squares method with robust standard error.

Finding

The findings of the first hypothesis show that managers' overconfidence leads to an increase in expense classification shifting and a piecemeal decrease in classification shifting over time. In addition, the findings of the second hypothesis show that the comparability of financial statements is an obstacle to managers' overconfidence in expense classification shifting and their piecemeal reduction over time.

Conclusion & Results

In this study, the association between an important behavioral attribute of CEOs, managerial overconfidence, and the occurrence of classification shifting has been investigated. The findings showed that managerial overconfidence is related to an increase in unexpected core earnings via reclassifying recurring expenses to special items and that the association between managerial overconfidence and classification shifting is more evident for firms whose financial statements are more comparable with their peers in the industry because stronger monitoring leads to fewer opportunities to manage earnings. The evidence shows that increased financial comparability can mitigate the effects of managerial overconfidence on classification shifting. Together, these results suggest that overconfident CEOs intentionally engage in classification shifting and inflate core earnings, and this relation is more pronounced when CEOs have strong incentives and more opportunities to engage in misconduct. This study provides evidence that an important managerial attribute of CEOs, overconfidence, plays a significant role in explaining firms' practice of classification shifting, and that classification shifting conducted by overconfident CEOs is driven by intended actions rather than unintentional behavior. Thus, the results suggest that regulators should also pay attention to the practice of classification shifting, considering the management style of CEOs.

مقاله پژوهشی

تأثیر بیش‌اعتمادی مدیران بر تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها: نقش تعدیلگر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی

فرشید ریاحی درجه ^{ID}: کارشناسی ارشد مدیریت مالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد، شهرکرد، ایران.

farshidriahi@ut.ac.ir

ایرج ترابی ^{ID}*: استادیار، گروه حسابداری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

er.torabi55@iau.ac.ir

چکیده

تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها به طرزی جالب توجه کیفیت سود عملیاتی را به خطر می‌اندازد و به اطلاعات گمراه‌کننده درباره عملکرد اصلی و پایدار شرکت‌ها منجر می‌شود. تغییر طبقه‌بندی ممکن است پیامد مستقیم و غیرعمدی سوگیری شناختی مدیران با اعتمادبه‌نفس زیاد باشد. همچنین، مدیران با اعتمادبه‌نفس زیاد ممکن است آگاهانه و عمدتاً هزینه‌های عملیاتی را به عنوان اقلام غیرعملیاتی طبقه‌بندی کنند تا سودهای عملیاتی را افزایش دهند؛ با این حال، اگر صورت‌های مالی شرکت‌ها با هم‌تایان آن‌ها در صنعت مقایسه شوند، نظارت قوی‌تر به فرصت‌های کمتر برای مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی منجر می‌شود. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر بیش‌اعتمادی مدیران بر تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها بر اساس نقش تعدیلگر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی است. نمونه آماری شامل ۱۳۰ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ است. به منظور آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون چندمتغیره و داده‌های ترکیبی (با کنترل اثرات سال و صنعت) و نرم‌افزار ایویوز نسخه ۹ استفاده شده است. نتایج نشان داد بیش‌اعتمادی مدیران به افزایش تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها و کاهش تدریجی تغییر طبقه‌بندی در طول زمان منجر می‌شود. علاوه بر این، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی همانند یک مانع برای بیش‌اعتمادی مدیران در جهت تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها و تدریج کاهشی تغییر طبقه‌بندی در طول زمان عمل می‌کند؛ بنابراین، ذی‌نفعان بازار سرمایه باید به بیش‌اعتمادی مدیران و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در راستای تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها توجه جدی داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها، بیش‌اعتمادی مدیران، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی.



مقدمه

اقلام صورت‌های مالی به گونه‌ای طبقه‌بندی می‌شوند که اقلام مشابه در یک گروه قرار گیرند و اقلام غیرمشابه از هم جدا شوند (Financial Accounting Standards Board, 1984). در واقع اقلام، موقتی و گذرا از اقلام پایدار در صورت سود و زیان جدا هستند تا تجزیه و تحلیل سرمایه‌گذاران را تسهیل کنند؛ زیرا اقلام موقتی پایدار نیستند یا پایداری کمی دارند و از این رو، قدرت پیش‌بینی کمی دارند (Jones & Smith, 2011). هنگامی که هزینه‌های غیرعملیاتی حذف می‌شوند، انتظار می‌رود سود عملیاتی پایدارتر باشد و به سرمایه‌گذاران کمک کند تا سودهای آتی را بهتر پیش‌بینی کنند (Frankel et al., 2011). ذی‌نفعان بازار برای سود عملیاتی نسبت به سود خالص، وزنی بیشتر قائل هستند و در مقابل، بر اقلام غیرعملیاتی کمتر تأکید می‌کنند (Francis et al., 2008). پژوهشگران دانشگاهی و حرفه حسابداری از عبارت «اقلام ویژه» برای نشان دادن چنین هزینه‌های غیرعملیاتی استفاده می‌کنند؛ اگرچه این اصطلاح در اصول پذیرفته‌شده حسابداری (GAAP)^۱ دیده نمی‌شود (Choi et al., 2024). برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند مدیران به طور عمدی هزینه‌های اساساً پایدار (هزینه‌های عملیاتی) را در دسته اقلام خاص یا هزینه‌های غیرعملیاتی طبقه‌بندی و به تغییر طبقه‌بندی اقلام سود و زیان شرکت اقدام می‌کنند (Fan & Liu, 2017; McVay, 2006). تغییر طبقه‌بندی به طرز جالب توجه کیفیت سود عملیاتی را به خطر می‌اندازد و به اطلاعات گمراه‌کننده درباره عملکرد اصلی و پایدار شرکت‌ها منجر می‌شود. کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC)^۲ با بیان اینکه «طبقه‌بندی مناسب مبالغ در صورت سود و زیان به میزان اندازه‌گیری یا شناسایی مناسب این مبالغ دارای اهمیت است»، بر مشکل تغییر طبقه‌بندی تأکید می‌کند (Securities and Exchange Commission, 2000). مطالعات قبلی در رابطه با تغییر طبقه‌بندی عمدتاً بر روی عوامل سطح شرکت تمرکز می‌کنند (Hwang et al., 2022; Black et al., 2017) و اطلاعاتی اندک درباره تأثیر ویژگی‌های فردی بر تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها وجود دارد. پژوهش حاضر این خلأ را با بررسی اینکه آیا و چگونه یک ویژگی مهم فردی، یعنی بیش‌اعتمادی مدیرعامل، با تغییر طبقه‌بندی و افزایش سود عملیاتی مرتبط است، پر می‌کند.

مطالعات قبلی در بازار سرمایه ایران عمدتاً تأثیر تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها بر روی عملکرد سهام‌پس از عرضه عمومی اولیه، مدیریت سود، دوره تصدی مدیرعامل و مدیریت سود در میان‌دوره‌های مالی را بررسی کرده‌اند (افلاطونی و همکاران، ۱۴۰۲؛ شیرزادی و همکاران، ۱۴۰۲؛ ثقفی و جمالیان‌پور، ۱۳۹۷؛ هاشمی و ربیعی، ۱۳۹۲).

پیرک نشان داد مدیران با اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد کمتر احتمال دارد پس از جابه‌جایی مدیرعامل شرکت، به مدیریت سود از طریق انتقال گسترده هزینه‌ها و زیان‌ها اقدام کنند؛ زیرا آن‌ها تمایل دارند عملکرد شرکت را مطابق باورهای بیش‌ازحد مطمئن خود در رابطه با توانایی‌ها و آینده خود گزارش دهند (Pierk, 2021)؛ با این حال، نتایج حاصل از این مطالعات لزوماً به تغییر طبقه‌بندی تعمیم‌پذیر نیست؛ زیرا مدیریت سود اقلام تعهدی، مدیریت سود واقعی و مدیریت سود از طریق انتقال گسترده هزینه‌ها و زیان‌ها به دست‌کاری سود خالص اختصاص دارد؛ در حالی که تغییر طبقه‌بندی سود عملیاتی را مدیریت می‌کند. اگر مدیران با اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد سودهای عملیاتی را به اندازه سودهای خالص مهم بدانند، ممکن است علاوه بر مدیریت سود اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی، در تغییر

¹ Generally Accepted Accounting Principles

² Securities and Exchange Commission

طبقه‌بندی مشارکت کنند. از سوی دیگر، اگر سودهای عملیاتی برای مدیران با اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد مهم نباشند، ممکن است ارتباطی بین بیش‌اعتمادی مدیرعامل و تغییر طبقه‌بندی پیدا نشود؛ بنابراین، اینکه تا چه حد مدیران با اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد در تغییر طبقه‌بندی برای افزایش سودهای عملیاتی شرکت می‌کنند، به صورت یک پرسش تجربی باقی می‌ماند (Choi et al., 2024).

در همین راستا، با توجه به فرصت‌های دست‌کاری سود، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی نیز ممکن است بر رابطه بیش‌اعتمادی مدیران و تغییر طبقه‌بندی نقش داشته باشد. کاین و همکاران نشان دادند مدیران با اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد، زمانی که فرصت‌هایی بیشتر برای سوء رفتار وجود دارند، یعنی زمانی که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی کم است و زمانی که مدیرعامل می‌تواند از ارقام خاص فرصت‌طلبانه برای طبقه‌بندی نادرست هزینه‌ها استفاده کند، بیشتر درگیر تغییر طبقه‌بندی می‌شوند (Cain et al., 2020).

به طور کلی، در مطالعه حاضر، یک ویژگی مهم مدیران، یعنی اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد آن‌ها و اثرات آن بر احتمال تغییر طبقه‌بندی بررسی می‌شود. ادبیات گذشته تغییر طبقه‌بندی نشان می‌دهد تمایل شرکت‌ها به مشارکت در تغییر طبقه‌بندی تحت تأثیر یک سری از عوامل در سطح شرکت، مانند توانایی محدود برای دست‌کاری اقلام تعهدی و فعالیت‌های واقعی (Black et al., 2017)، انگیزه‌های شرکت‌ها برای برآورده کردن یا شکست دادن پیش‌بینی‌های تحلیلگران و طیفی از معیارهای سود (Barua et al., 2010) و قدرت حاکمیت شرکتی (Haw et al., 2011) است. پژوهش حاضر با نشان دادن اینکه علاوه بر عوامل در سطح شرکت، ویژگی‌های مدیریتی مدیران نقشی مهم در توضیح شیوه تغییر طبقه‌بندی شرکت‌ها ایفا می‌کنند، به جریان این ادبیات کمک می‌کند.

همچنین، این پژوهش به مجموعه ادبیات قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌هایی با مدیران بیش‌اعتماد می‌افزاید. ممکن است چنین تناقض‌هایی بر اساس نقش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی قابل توضیح باشند که به دلیل نبود شواهد کافی، این پژوهش این موضوع را بررسی می‌کند. در نهایت، پژوهش پیش‌رو به تنظیم‌کنندگان قوانین و مقررات که به دنبال بهبود کیفیت سود هنگام ارزیابی قصد شرکت‌ها برای دست‌کاری سود هستند، کمک می‌کند و از این نظر، دارای اهمیت و پیامدهای سیاستی است. علاوه بر این، ذی‌نفعان بازار سرمایه بر اساس نتایج این مطالعه می‌توانند تصمیم‌هایی بهتر برای شناسایی شرکت‌های با دست‌کاری بیش‌تر سود داشته باشند. در بخش‌های بعدی این مقاله، به ترتیب مبانی نظری، پیشینه تجربی، روش پژوهش، تجزیه و تحلیل یافته‌ها، نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی بیان شده‌اند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مطالعات قبلی برای مثال، (Black et al., 2017; Barua et al., 2010; Hwang et al., 2022) نشان می‌دهند عوامل متعددی می‌توانند به طور بالقوه بر تصمیم شرکت‌ها برای مشارکت در تغییر طبقه‌بندی تأثیر بگذارند. برای مثال، زمانی که توانایی شرکت‌ها برای دست‌کاری اقلام تعهدی و فعالیت‌های واقعی محدود است، بیشتر احتمال دارد که آن‌ها هزینه‌ها را اشتباه طبقه‌بندی کنند و سودهای اصلی را اشتباه گزارش کنند (Black et al., 2017). علاوه بر این، یکی از انگیزه‌های اولیه برای مشارکت در تغییر طبقه‌بندی تمایل به برآورده کردن یا شکست پیش‌بینی‌های تحلیلگران و طیفی از معیارهای سود است (Barua et al., 2010). هاو و همکاران نشان دادند عوامل حاکمیت

شرکتی بر تمایل شرکت‌ها برای مشارکت در تغییر طبقه‌بندی تأثیر می‌گذارد (Haw et al., 2011). هوانگ و همکاران دریافتند شرکت‌هایی با مسئولیت اجتماعی خوب نسبت به شرکت‌هایی با عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی، کمتر درگیر تغییر طبقه‌بندی می‌شوند، حتی زمانی که انگیزه‌هایی بیشتر برای دستیابی به معیارهای سود دارند (Hwang et al., 2022). بانسال و بشیر نشان دادند که مدیران شرکت‌های با استراتژی رهبری هزینه بیشتر درگیر طبقه‌بندی نادرست هزینه هستند، درحالی‌که شرکت‌هایی که از استراتژی تمایز پیروی می‌کنند احتمالاً در طبقه‌بندی نادرست درآمد مشارکت دارند (Bansal & Bashir, 2023). مولچاندانی و مولچاندانی بیان کردند شرکت‌هایی با نسبت بالاتر از مدیران مستقل در هیئت‌مدیره در محدود کردن هزینه تغییر طبقه‌بندی مؤثر هستند. علاوه بر این، شرکت‌هایی که حساب‌برسان بزرگ آن‌ها را حسابرسی می‌کنند، نقشی مهم در مهار تغییر طبقه‌بندی هزینه دارند (Mulchandani & Mulchandani, 2022). علاوه بر این، آناگناستوپولو و مالیکوف پیامدهای واقعی تغییر طبقه‌بندی را بر اساس شواهدی از کارایی سرمایه‌گذاری شرکتی بررسی و بیان کردند تغییر طبقه‌بندی شدت و پاسخ سرمایه‌گذاری به فرصت‌های رشد را کاهش می‌دهد؛ بنابراین، با سرمایه‌گذاری ناکارا همراه است (Anagnostopoulou & Malikov, 2023).

در داخل کشور نیز، افلاطونی و همکاران (۱۴۰۲) نشان دادند مدیران از تغییر طبقه‌بندی برای مدیریت سود استفاده می‌کنند و با افزایش دوره تصدی مدیرعامل تغییر طبقه‌بندی کمتر می‌شود. یافته‌های سجادی و همکاران (۱۴۰۱) نشان داد بین سهامداران نهادی و تغییر در طبقه‌بندی سود رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد و اندازه هیئت‌مدیره موجب تقویت این رابطه می‌شود؛ در حالی که استقلال هیئت‌مدیره بر این رابطه مؤثر نیست. همچنین، بین مالکان دولتی و تغییر طبقه‌بندی سود رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. در حالی که استقلال هیئت‌مدیره موجب تضعیف این رابطه می‌شود؛ اندازه هیئت‌مدیره بر آن تأثیری ندارد. جودکی و حیدری (۱۴۰۱) دریافتند شرکت‌هایی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی زیاد نسبت به شرکت‌هایی با مسئولیت‌پذیری کم، تغییر طبقه‌بندی کمتری دارند. در مطالعه‌ای دیگر، گرجی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند مدیریت سود در سال قبل از تغییر مدیریت بیشتر است. ثقفی و جمالیان پور (۱۳۹۷) شواهدی مبنی بر اینکه شرکت‌ها به ترتیب از مدیریت فعالیت‌های واقعی، مدیریت اقلام تعهدی و تغییر طبقه‌بندی استفاده می‌کنند، ارائه دادند.

اثر اعتماد بیش‌ازحد مدیران بر تغییر طبقه‌بندی ممکن است از دو کانال رخ دهد. اولاً، تغییر طبقه‌بندی ممکن است پیامد مستقیم و غیرعمدی سوگیری شناختی مدیران با اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد باشد. مدیران با اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد، با تمایل خود به دست‌کم گرفتن احتمال وقوع رویدادهای نامطلوب، ممکن است هزینه‌های تکراری (عملیاتی) را هزینه‌های غیرتکراری (غیرعملیاتی) تصور کنند؛ زیرا اعتماد بیش‌ازحد آن‌ها به طور طبیعی آن‌ها را به این باور می‌رساند که اقلام کاهنده سود تداوم نمی‌یابند. این موضوع نشان می‌دهد اعتماد بیش‌ازحد مدیران به شایستگی مدیریتی آسیب می‌رساند و در نتیجه، خطاهای گزارشگری مالی رخ می‌دهند؛ به این ترتیب، یک اقدام غیرعمدی طبقه‌بندی نادرست هزینه‌های عملیاتی در گروه هزینه‌های غیرعملیاتی، احتمالاً زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران با اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد، با نسبت دادن نتایج بد به بدشانسی، مرتکب خطاهای اسنادی می‌شوند (Choi et al., 2024).

دوماً، مدیران با اعتمادبه‌نفس زیاد ممکن است آگاهانه و عمدتاً هزینه‌های عملیاتی را به عنوان اقلام غیرعملیاتی طبقه‌بندی کنند تا سودهای عملیاتی را افزایش دهند. مدیران با اعتمادبه‌نفس زیاد سوگیری خوش‌بینانه بیشتری درباره توانایی‌ها و عملکرد آینده خود دارند (Hastorf et al., 1970)؛ در نتیجه، آن‌ها ممکن است عمدتاً درگیر تغییر طبقه‌بندی شوند تا به برآوردهای متعصبانه و بیش‌ازحد خوش‌بینانه خود برسند. چنین رفتار عمدی نشان می‌دهد اعتمادبه‌نفس زیاد ممکن است تأثیر غیرمستقیم بر تغییر طبقه‌بندی داشته باشد؛ به طوری که مدیران با اعتمادبه‌نفس زیاد سهواً پیش‌بینی‌هایی خوش‌بینانه‌تر را انجام می‌دهند و برای تحقق این پیش‌بینی‌ها عمدتاً به تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها اقدام می‌کنند (Choi et al., 2024). اقدامات عمدی و غیرعمدی توسط مدیران با اعتمادبه‌نفس زیاد ممکن است به رفتارهای تغییر طبقه‌بندی منجر شوند. علاوه بر این، اگر تغییر طبقه‌بندی توسط مدیران با اعتمادبه‌نفس زیاد به طور عمدی رخ دهد، تغییر طبقه‌بندی ممکن است تشدید شود؛ زیرا انگیزه‌ها و فرصت‌های قوی برای انجام آن وجود دارند. مسلماً، این امکان وجود دارد که مدیران با اعتمادبه‌نفس زیاد، به ویژه در مراحل اولیه تصدی خود، زمانی که دیدگاه‌های غرورآمیز درباره آینده دارند، علاقه‌ای به افزایش عمدی سودهای عملیاتی و ضرورتی برای تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها نداشته باشند (Chen et al., 2018; Choi et al., 2024). برای مثال، همان‌طور که پیرک نشان داده است، هنگامی که تغییر مدیرعامل اتفاق می‌افتد، مدیریت سود از طریق انتقال گسترده هزینه‌ها و زیان‌ها در میان مدیران با اعتمادبه‌نفس زیاد به طرزی جالب توجه کمتر دیده می‌شود؛ زیرا آن‌ها توانایی‌های خود را بیش‌ازحد برآورد می‌کنند و در نتیجه، انتظارات متعصبانه زیادی نسبت به عملکرد آینده شرکت دارند؛ با این حال، با گذشت زمان و محقق نشدن پیش‌بینی‌های بیش‌ازحد خوش‌بینانه آن‌ها، احتمالاً درگیر تغییر طبقه‌بندی می‌شوند تا عملکرد کمتر از حد انتظار را پنهان کنند (Pierk, 2021). با توجه به مطالب بیان‌شده، فرضیه اول پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شود:

فرضیه اول: بیش‌اعتمادی مدیران بر تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها تأثیر مثبت دارد.

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی ممکن است بیش‌اعتمادی مدیران بر تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. قابلیت مقایسه صورت‌های مالی یکی از ویژگی‌های کیفی منحصربه‌فرد اطلاعات مالی است و مفید بودن اطلاعات را افزایش می‌دهد (Kim et al., 2016). قابلیت مقایسه این امکان را برای استفاده‌کنندگان فراهم می‌آورد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های عملکرد مالی شرکت‌ها را شناسایی کنند؛ بنابراین، ویژگی کیفی اطلاعات مالی (قابلیت مقایسه) در بازار سرمایه و بدهی برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و وام‌دهی بر ارزیابی فرصت‌ها یا پروژه‌های جایگزین مبتنی هستند و بدون وجود ویژگی قابلیت مقایسه اطلاعات، نمی‌توان به اتخاذ تصمیم بهینه اقدام کرد (Schipper, 1989). همچنین، قابلیت مقایسه کیفیت و شفافیت محیط اطلاعاتی را افزایش می‌دهد و در نتیجه، سرمایه‌گذاران، تحلیلگران، حساب‌رسان و سرمایه‌گذاران نهادی را قادر می‌سازد تا رفتار مدیریتی را با دقتی بیشتر رصد کنند (De Franco et al., 2011).

در راستای نقش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی مطالعاتی نیز انجام شده‌اند؛ به طوری که چوی و همکاران نشان دادند تمایل مدیران با اعتمادبه‌نفس زیاد برای مشارکت در تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها در شرکت‌هایی با صورت‌های مالی دارای ویژگی قابلیت مقایسه کاهش می‌یابد (Choi et al., 2024). مرزوکی و بن اعمار بیان کردند با استفاده از

اقدام تعهدی اختیاری به عنوان نماینده‌ای برای مدیریت سود، نتایج تجربی رابطه مثبت بین بیش‌اعتمادی مدیرعامل و مدیریت سود را نشان می‌دهد. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد اخلاق تجاری رابطه بین اعتماد بیش‌ازحد مدیرعامل و مدیریت سود را تعدیل می‌کند (Marzouki, & Ben Amar, 2024). اخلاق تجاری را می‌توان هم‌راستا با قابلیت مقایسه بیشتر صورت‌های مالی متصور شد. نام و تومپسون نشان دادند افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، ضمن کاهش هزینه‌های اطلاعاتی، موجب بهبود کارایی نظارت کمیسیون بورس اوراق بهادار بر کیفیت صورت‌های مالی می‌شود (Nam & Thompson, 2023). ها و توماس در مطالعه‌ای دیگر نشان دادند زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران بیشتر باشد، میزان تغییر طبقه‌بندی به عنوان یک راهبرد گزارش‌دهی اطلاعاتی بیشتر است (Ha & Thomas, 2020). عدم تقارن اطلاعاتی به نوعی بیانگر قابلیت مقایسه کمتر صورت‌های مالی است (Hasan & Habib, 2017). نتایج مطالعات مارتینز و همکاران نشان داد هرچه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بیشتر باشد، رویکرد فرصت‌طلبانه مدیریت سود تعهدی محدود می‌شود (Martens et al., 2020).

در ایران نیز، حاجیها و چناری (۱۴۰۲) دریافتند قابلیت مقایسه بیشتر صورت‌های مالی شرکت‌ها کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد. افزایش کیفیت گزارشگری مالی ممکن است بیانگر کاهش تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها به عنوان یک ابزار مدیریت سود باشد. ویسی‌زاده و صالحی (۱۴۰۱) نشان دادند قابلیت مقایسه صورت‌های مالی رابطه مثبت بین بیش‌اعتمادی مدیران و سررسید بدهی‌ها را تضعیف می‌کند. در مطالعه‌ای دیگر، اکبری و همکاران (۱۳۹۹) دریافتند قابلیت مقایسه با مدیریت سود واقعی رابطه منفی و معنادار دارد؛ به این ترتیب، می‌توان انتظار داشت قابلیت مقایسه بیشتر موجب کاهش تغییر طبقه‌بندی هزینه شود. نتایج مطالعات بولو و همکاران (۱۳۹۹) نیز نشان داد عدم تقارن اطلاعات و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی دو نیروی متضاد مؤثر بر کیفیت اطلاعات حسابداری هستند.

به طور کلی، قابلیت مقایسه بیشتر صورت‌های مالی از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعات، به نفع کاربران اطلاعات خارج از شرکت است و به نظارت قوی‌تر توسط بازار منجر می‌شود (Chen et al., De Franco, 2011; Choi et al., 2019; 2018). هرچه صورت‌های مالی شرکت‌ها با همتایان آن‌ها در صنعت دارای قابلیت مقایسه بیشتری باشند، رابطه بین اعتماد بیش‌ازحد مدیران و تغییر طبقه‌بندی کاهش می‌یابد؛ زیرا نظارت قوی‌تر به فرصت‌هایی کمتر برای مدیریت سود منجر می‌شود؛ به این ترتیب، فرضیه دوم به شرح زیر مطرح می‌شود:

فرضیه دوم: قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تأثیر بیش‌اعتمادی مدیران بر تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها را تضعیف می‌کند.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر زمانی پس‌رویدادی و از نظر ماهیت توصیفی از نوع همبستگی است که ویژگی‌های متغیرها و رابطه بین آن‌ها را از طریق تحلیل رگرسیون بررسی می‌کند. در گام بعدی، پس از جمع‌آوری داده‌ها از نمونه جامعه آماری، تجزیه و تحلیل داده‌ها به منظور آزمون فرضیه‌ها انجام می‌شود. با توجه به حجم زیاد داده‌ها و نیاز به پردازش آن‌ها، از نرم‌افزار اکسل ۲۰۱۳ و ایویوز ۹ برای برآورد آمار توصیفی و پارامترهای

مدل و تحلیل و استنباط آماری استفاده می‌شود. مدل پژوهش از طریق داده‌های پنل با کنترل اثرات صنعت و سال به روش حداقل مربعات معمولی با خطای استاندارد مقاوم برآورد شده است.

جامعه آماری در پژوهش پیش‌رو شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند. دوره زمانی نیز ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ است و پس از اعمال شرایط غربالگری جامعه، ۱۳۰ شرکت به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. همچنین، باید به این نکته اشاره کرد که داده‌ها از صورت‌های مالی حسابرسی‌شده شرکت‌ها که در سایت کدال منتشر شده است، به صورت دستی جمع‌آوری شده است. شرایط مدنظر برای تعیین نمونه به شرح زیر است: ۱- طی دوره پژوهش شرکت تغییر سال مالی نداده باشد و سال مالی منتهی به پایان اسفند باشد، ۲- شرکت مدنظر در همه سال‌های تحت بررسی جزء شرکت‌های بورسی باشد، ۳- شرکت تحت بررسی از نوع سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ و بیمه نباشد، ۴- در هر صنعت برای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی دست‌کم ۵ شرکت وجود داشته باشند و در نهایت ۵- اطلاعات و داده‌های آن‌ها در دسترس و قابل استفاده باشد.

مدل و متغیرهای پژوهش

بر اساس مطالعات چوی و همکاران، بانسال و افلاطونی و همکاران، برای آزمون فرضیه اول پژوهش از مدل (۱)، و برای فرضیه دوم از مدل (۲) استفاده شده است. هر مدل بر اساس دو متغیر وابسته سود عملیاتی غیرمنتظره (UE_{CE}) و تغییرات سود عملیاتی غیرمنتظره ($UE_{\Delta CE}$) برآورد می‌شود که نحوه اندازه‌گیری این دو متغیر در ادامه شرح داده شده است. گفتنی است، زمانی می‌توان تغییر طبقه‌بندی را به عنوان مدیریت سود در نظر گرفت که شرکت طبقه هزینه‌های عملیاتی را به هزینه‌های غیرعملیاتی تغییر داده باشد و سود عملیاتی سال جاری در نتیجه این تغییرات افزایش یافته باشد و تغییر طبقه‌بندی هزینه‌های عملیاتی به غیرعملیاتی در سال قبل باعث کاهش سود عملیاتی غیرمنتظره در سال آتی شود؛ به همین دلیل، برای بررسی هر فرضیه دو مدل مجزا با دو متغیر وابسته ($UE_{CE_{it}}$ و $UE_{\Delta CE_{it+1}}$) برآورد می‌شوند (Choi et al., 2024; Bansal, 2021؛ افلاطونی و همکاران، ۱۴۰۲).

مدل (۱-الف):

$$UE_{CE_{it}} = \beta_0 + \beta_1 NOE_{it} + \beta_2 OverConfidence_{it} + \beta_3 NOE_{it} \times OverConfidence_{it} + \sum \beta_i Controls_{it} + \sum \beta_i Industry\&Year_{it} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۱-ب):

$$UE_{\Delta CE_{it+1}} = \beta_0 + \beta_1 NOE_{it} + \beta_2 OverConfidence_{it} + \beta_3 NOE_{it} \times OverConfidence_{it} + \sum \beta_i Controls_{it} + \sum \beta_i Industry\&Year_{it} + \varepsilon_{i,t+1}$$

برای تأیید فرضیه اول پژوهش، در صورتی که ضریب β_3 در مدل (۱-الف) مثبت و معنادار و در مدل (۱-ب) منفی و معنادار باشد، آنگاه فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود.

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل (۲-الف) و (۲-ب) استفاده شده است.

مدل (۲-الف):

$$UE_{CE_{it}} = \beta_0 + \beta_1 NOE_{it} + \beta_2 OverConfidence_{it} + \beta_3 NOE_{it} \times OverConfidence_{it} + \beta_4 FSC_{it} + \beta_5 NOE_{it} \times FSC_{it} + \beta_6 OverConfidence_{it} \times FSC_{it} + \beta_7 NOE_{it} \times OverConfidence_{it} \times FSC_{it} + \sum \beta_i Controls_{it} + \sum \beta_i Industry\&Year_{it} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۲-ب):

$$UE_ACE_{it+1} = \beta_0 + \beta_1 NOE_{it} + \beta_2 OverConfidence_{it} + \beta_3 NOE_{it} \times OverConfidence_{it} + \beta_4 FSC_{it} + \beta_5 NOE_{it} \times FSC_{it} + \beta_6 OverConfidence_{it} \times FSC_{it} + \beta_7 NOE_{it} \times OverConfidence_{it} \times FSC_{it} + \sum \beta_i Controls_{it} + \sum \beta_i Industry\&Year_{it} + \varepsilon_{i,t+1}$$

در صورتی که ضریب β_7 در مدل (۲-الف) منفی و معنادار باشد، آنگاه فرضیه دوم پژوهش رد نمی‌شود. همچنین، در صورتی که ضریب β_7 در مدل (۲-ب) مثبت و معنادار باشد، آنگاه فرضیه دوم پژوهش رد نمی‌شود.

متغیر وابسته:

تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها (UE_CE): بر اساس مطالعات چوی و همکاران، در صورتی که مدیران به تغییر طبقه‌بندی اقدام کنند، سود عملیاتی در نتیجه شناسایی هزینه‌های عملیاتی در قالب هزینه‌های غیرعملیاتی و اقلام خاص متورم می‌شود (Choi et al., 2024)؛ بنابراین، انتظار می‌رود سود عملیاتی غیرمنتظره (سود عملیاتی گزارش شده به کسر سود عملیاتی مورد انتظار) در سال t با افزایش اقلام خاص افزایش پیدا کند. همچنین، تغییرات سود عملیاتی در سال $t+1$ با افزایش اقلام خاص افزایش پیدا کنند؛ از این رو، از مدل (۳-الف) و مدل (۳-ب) انتظارات سود اصلی به صورت زیر برای تعیین UE_CE و UE_ΔCE استفاده شده است.

مدل (۳-الف):

$$CE_t = \beta_0 + \beta_1 CE_{t-1} + \beta_2 ATO_t + \beta_3 ACC_{t-1} + \beta_4 ACC_t + \beta_5 \Delta SALE_t + \beta_6 NEG_ \Delta SALE_t + \varepsilon_t$$

مدل (۳-ب):

$$\Delta CE_t = \beta_0 + \beta_1 CE_{t-1} + \Delta CE_{t-1} + \beta_2 ATO_t + \beta_3 ACC_{t-1} + \beta_4 ACC_t + \beta_5 \Delta SALE_t + \beta_6 NEG_ \Delta SALE_t + \varepsilon_t$$

CE سود عملیاتی و ΔCE تغییرات سود عملیاتی است که عبارت است از فروش خالص منهای بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته منهای هزینه‌های عمومی، فروش و اداری تقسیم بر فروش خالص.

ATO: نسبت گردش دارایی که برابر است با درآمد فروش تقسیم بر ارزش دفتری دارایی‌ها.

ACC: اقلام تعهدی که با کسر جریان نقدی عملیاتی از سود خالص اندازه‌گیری می‌شود.

ΔSALES: درصد تغییر در فروش نسبت به دوره گذشته.

NEG_ΔSALES: متغیر مجازی است. اگر درصد تغییر در فروش منفی باشد، یک و در غیر این صورت، صفر

است.

جزء خطای مدل (۳-الف)، در مدل اصلی پژوهش سود عملیاتی غیرمنتظره (UE_CE) و در مدل (۳-ب)، تغییرات سود عملیاتی غیرمنتظره (UE_ΔCE) است که در اندازه‌گیری تغییر طبقه‌بندی به عنوان متغیرهای وابسته در مدل اصلی پژوهش استفاده شده‌اند. در واقع، مدل ساده تغییر طبقه‌بندی به صورت مدل (۴-الف) و (۴-ب) است.

مدل (۴-الف):

$$UE_CE_{it} = \beta_0 + \beta_1 NOE_{it} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۴-ب):

$$UE_ACE_{it+1} = \beta_0 + \beta_1 NOE_{it} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن، NOE هزینه‌های غیرعملیاتی است که بر اساس درصد هزینه‌های غیرعملیاتی به فروش اندازه‌گیری می‌شوند. بر اساس مطالعات مکوی، اگر مدیران به طور فرصت‌طلبانه هزینه‌های عملیاتی را به عنوان هزینه‌های غیرعملیاتی طبقه‌بندی کنند، آنگاه ضریب β_1 در مدل ۴-الف باید مثبت و معنادار باشد. مثبت بودن β_1 به این معنا است که شرکت هزینه‌های عملیاتی را به عنوان هزینه‌های غیرعملیاتی طبقه‌بندی کرده است و سود عملیاتی سال جاری در نتیجه این تغییرات افزایش یافته است. همچنین، β_1 در مدل (۴-ب) باید منفی و معنادار باشد. منفی بودن β_1 در مدل (۴-ب) به این معنا است که تغییر طبقه‌بندی هزینه‌های عملیاتی به غیرعملیاتی در سال قبل باعث کاهش سود عملیاتی غیرمنتظره در سال آتی می‌شود. در چنین شرایطی، می‌توان تغییر طبقه‌بندی انجام‌شده را مدیریت سود تلقی کرد (در واقع، ضریب β_1 نشان‌دهنده تغییر طبقه‌بندی است) (McVay, 2006).

متغیر مستقل:

بیش‌اعتمادی مدیران^۳: این مطالعه از دو شاخص اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد مدیران استفاده می‌کند که در مطالعات گذشته کمتر مورد توجه بوده است. علت استفاده از دو شاخص برای دستیابی به نتایج قابل اعتماد بیشتر است. **شاخص اول:** اولین شاخص مبتنی بر اختیارات مدیرعامل است. مدیرعامل در مخارج سرمایه‌گذاری اختیار دارد و در صورتی که نسبت مخارج سرمایه‌گذاری به دارایی‌های سال قبل بیش از دوسوم میانگین صنعت باشد، بیانگر بیش‌اعتمادی مدیران است (Choi et al., 2024). به بیان دیگر، اگر نسبت مخارج سرمایه‌گذاری (خالص وجوه پرداختی برای خرید دارایی‌های ثابت و سایر سرمایه‌گذاری‌ها مندرج در صورت جریان وجوه نقد) بر دارایی‌های سال قبل در یک شرکت و در آن سال بیشتر از دوسوم میانگین نسبت یادشده در صنعت موجود در نمونه مربوط به آن شرکت باشد، مقدار آن متغیر در آن سال و برای آن شرکت برابر یک و در غیر این صورت صفر فرض می‌شود (بشیری‌منش و شهنازی، ۱۴۰۱؛ Choi et al., 2024).

شاخص دوم: شاخص دوم بر اساس تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی یک شرکت محاسبه می‌شود. به پیروی از شراند و زچمن، اگر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی شرکت دست‌کم دو معیار از چهار معیار زیر را برآورده کنند، مدیران را می‌توان به عنوان مدیران با اعتمادبه‌نفس زیاد طبقه‌بندی کرد (Schrand & Zechman, 2012):

۱) سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد در دارایی‌ها که از باقیمانده‌های مدل رگرسیونی رشد دارایی‌ها بر رشد فروش بر مبنای سال - صنعت و طبق مدل زیر محاسبه می‌شود:

مدل (۵):

$$AG_{it} = \beta_0 + \beta_1 SG_{it} + \varepsilon_{it}$$

SG رشد فروش، AG رشد دارایی‌ها و ε_{it} باقیمانده رگرسیونی در پایان دوره مالی t برای شرکت i است که

³ OverConfidence

مقدار مثبت این باقیمانده‌ها بیانگر سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد در دارایی‌ها و مقدار منفی این باقیمانده‌ها بیانگر سرمایه‌گذاری کمتر از حد در دارایی‌ها است. اگر جزء خطا بزرگ‌تر از میانگین سال - صنعت باشد، بیانگر بیش‌اعتمادی است.

- (۲) خالص جریان نقدی ناشی از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری بیشتر از میانگین صنعت در هر سال است.
- (۳) نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام (بدهی بلندمدت تقسیم بر ارزش کل بازار حقوق صاحبان سهام) بیشتر از میانگین سال صنعت است.
- (۴) سود تقسیمی سهام برابر صفر باشد.

این الزامات با یافته‌های قبلی مبنی بر اینکه مدیران با اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد درگیر سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد، فعالیت‌های تأمین مالی بدهی، تأمین مالی پرخطر و سیاست تقسیم سود هستند، سازگار است؛ به این ترتیب، اگر شرکت در دسته شرکت‌های با مدیران بیش‌اعتماد قرار گیرد برابر یک و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

متغیر تعدیلگر:

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی (FSC^۴): قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با استفاده از مدل دیفرانکو و همکاران اندازه‌گیری شده است که در آن، از سود به عنوان شاخصی از صورت‌های مالی (خروجی سیستم حسابداری) و از بازده سهام به عنوان شاخصی از اثرات خالص رویدادهای اقتصادی شرکت (ورودی سیستم حسابداری) استفاده می‌شود (De Franco et al., 2011). برای محاسبه قابلیت مقایسه صورت مالی دو شرکت i و j ، ابتدا مدل (۶) برای هر سال - شرکت با استفاده از داده‌های ۸ سال گذشته و به روش آزمون رگرسیون سری زمانی برآورد می‌شود.

مدل (۶):

$$earnings_{it} = \alpha_i + \beta_i return_{it} + \varepsilon_{it}$$

$earnings_{it}$: سود خالص شرکت در سال t سهام t است که با ارزش بازار حقوق صاحبان شرکت در ابتدای سال همگن می‌شود.

$return_{it}$: بازده سهام شرکت i در سال t است.

گفتنی است، این رابطه بر اساس رگرسیون غلتان برآورد می‌شود؛ زیرا برآورد تک‌تک مدل‌های رگرسیونی برای هر شرکت زمان‌بر است. ضرایب α و β در رابطه ۱، برای هر سال - شرکت معیارهایی از عملیات حسابداری شرکت هستند؛ یعنی α_i نشان‌دهنده عملیات حسابداری شرکت i و ضرایب β_j و α_j معرف عملیات حسابداری شرکت j هستند. شباهت میان عملیات حسابداری دو شرکت میزان قابل مقایسه بودن دو شرکت را نشان می‌دهد. به منظور برآورد تفاوت میان عملیات حسابداری دو شرکت i و j ، مفهوم قابل مقایسه بودن (ارائه گزارش‌های مشابه درباره مجموعه‌ای از رویدادهای مشابه) به کار گرفته می‌شود؛ از این رو، در هر سال با استفاده از رابطه (۱) و رابطه (۲) سود شرکت i به طور جداگانه یک بار با ضریب خود شرکت i و یک بار با ضریب شرکت j ،

⁴ Financial Statements Comparability

اما با بازده شرکت i (رویداد مشابه) برای بازه زمانی مشابه با بازه زمانی مدل ۶ اندازه‌گیری می‌شود.

رابطه (۱):

$$E(earnings)_{iit} = \hat{\alpha}_i + \hat{\beta}_i return_{it}$$

رابطه (۲):

$$E(earnings)_{ijt} = \hat{\alpha}_j + \hat{\beta}_j return_{it}$$

$E(earnings)_{ijt}$: سود خالص پیش‌بینی‌شده شرکت i و سال t ، با استفاده از ضرایب برآورده‌شده شرکت i و بازده سالانه سهام شرکت i است.

$E(earnings)_{ijt}$: سود خالص پیش‌بینی‌شده شرکت i و سال t ، با استفاده از ضرایب برآورده‌شده شرکت j و بازده سالانه سهام شرکت i است.

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بین شرکت i و شرکت j از تفاوت سود خالص پیش‌بینی‌شده در رابطه (۱) و (۲) و از طریق رابطه (۳) محاسبه می‌شود.

رابطه (۳):

$$COMPACTIND_{i,j,t} = -\frac{1}{8} * \sum_{t=7}^t |E(earnings)_{iit} - E(earnings)_{ijt}|$$

در رابطه (۳)، $COMPACTIND_{ijt}$ میانگین قدر مطلق تفاوت در مقادیر سود خالص پیش‌بینی‌شده بیانگر تفاوت در عملیات حسابداری در شرکت i و شرکت j است. هرچه این عدد بزرگ‌تر باشد بیانگر قابلیت مقایسه بیشتر بین دو شرکت است. به طریق مشابه، برای هر سال و هر جفت شرکت i با شرکت‌های j عضو یک صنعت، معیار $COMPACTIND_{ijt}$ محاسبه می‌شود و میانگین ۴ عدد بزرگ‌تر محاسبه‌شده برای آن به عنوان معیار قابل مقایسه بودن شرکت i تعریف می‌شود.

متغیرهای کنترلی نیز شامل اندازه شرکت (لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها)، اهرم مالی (نسبت بدهی به دارایی)، رشد فروش (درصد تغییرات فروش)، عمر شرکت (لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های عمر شرکت در بورس) و بازده دارایی (نسبت سود خالص به دارایی) و همچنین، متغیرهای کنترلی سال و صنعت برای سال‌ها و صنایع مختلف هستند.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در نگاره (۱)، آماره‌های توصیفی مرتبط با مدل‌ها آورده شده‌اند. میانگین سود عملیاتی غیرمنتظره و تغییرات غیرمنتظره سود عملیاتی برابر صفر است و دلیل آن استخراج این متغیرها بر اساس جزء خطا است. به همین ترتیب، سود غیرعملیاتی به طور میانگین ۰/۰۰۳ است که با مطالعات افلاطونی و همکاران (۱۴۰۲) مطابقت دارد. قابلیت مقایسه به طور میانگین ۰/۱۶۷- است که مطابق مطالعات رضایی پینه‌نویی و عبداللهی (۱۳۹۸) است و به این معنا است که حدود ۸۳ درصد از شرکت‌های نمونه تحت بررسی از روش‌های یکسان استفاده می‌کنند. سایر متغیرهای پیوسته نیز به همین ترتیب در نگاره (۱) قابل مشاهده هستند. با بررسی بیش‌اعتمادی مدیران که بر اساس دو

شاخص مختلف اندازه‌گیری شده است نیز می‌توان مشاهده کرد بر اساس شاخص اول، ۳۳/۳۶۵ درصد از شرکت‌ها دارای مدیران بیش‌اعتماد هستند و بر اساس شاخص دوم، ۱۳/۴۶۲ درصد از مدیران دارای بیش‌اعتمادی هستند.

نگاره ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

Table 1: Descriptive statistics of research variables

متغیرهای پیوسته						
متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
سود عملیاتی غیرمنتظره	UE_CE	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۲	۰/۵۳۰	-۰/۴۶۹	۰/۰۷۳
تغییرات غیرمنتظره سود عملیاتی	UE_ΔCE	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۲۶۷	-۰/۲۷۴	۰/۰۶۹
هزینه‌های غیرعملیاتی	NOE	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۲۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶
قابلیت مقایسه حسابداری	FSC	-۰/۱۶۷	-۰/۱۲۲	-۰/۰۴۵	-۰/۵۵۸	۰/۱۳۵
اندازه شرکت	SIZE	۱۵/۰۹۶	۱۴/۹۵۲	۱۸/۰۲۹	۱۲/۷۲۵	۱/۳۸۰
اهرم مالی	LEV	۰/۵۳۳	۰/۵۳۶	۰/۸۶۹	۰/۱۷۵	۰/۲۰۰
رشد فروش	GROWTH	۰/۴۰۰	۰/۳۴۶	۱/۳۳۶	-۰/۲۴۸	۰/۴۲۹
سن شرکت	AGE	۳/۰۱۸	۳/۰۴۵	۳/۶۸۹	۲/۴۸۵	۰/۳۰۴
متغیرهای گسسته						
متغیر	نماد	تعداد یک	تعداد صفر	درصد یک	درصد صفر	
بیش‌اعتمادی مدیران (شاخص ۱)	OverConfidence1	۳۴۷	۶۹۳	۳۳/۳۶۵	۶۶/۶۳۵	
بیش‌اعتمادی مدیران (شاخص ۲)	OverConfidence2	۱۴۰	۹۰۰	۱۳/۴۶۲	۸۶/۵۳۹	

گفتنی است، به منظور کاهش اثر مشاهدات پرت بر روی نتایج پژوهش، پنج درصد از کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین داده‌های مربوط به متغیرهای پیوسته با اعداد نزدیک‌ترین مشاهدات به آن داده‌ها جایگزین شده است. نتایج آزمون همبستگی که گزارش نشده است نشان می‌دهد همبستگی زیادی بین متغیرهای مستقل و کنترلی وجود ندارد، یعنی مشکل هم‌خطی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد.

فرضیه اول

در مدل‌های پژوهش، از رگرسیون به روش خطای استاندارد مقاوم با لحاظ کردن مشکلاتی از جمله ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی خطاها استفاده شده است (Petersen, 2019). نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش در نگاره (۲) نشان می‌دهد ضریب هزینه‌های غیرعملیاتی در هر چهار مدل در سطح احتمال ۹۵ درصد معنادار است. این ضریب در مدل (۱-الف) مثبت و معنادار و در مدل (۱-ب) منفی و معنادار است؛ به این ترتیب شرط تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها در تمامی مدل‌ها تأیید می‌شود. در واقع، مدیران به صورت فرصت‌طلبانه هزینه‌ها را طبقه‌بندی می‌کنند (مدل ۱-الف) و سپس، تغییر طبقه‌بندی به تدریج کاهشی می‌شود (مدل ۱-ب). البته، به دلیل وجود اثرات تعاملی، ضریب هزینه‌های غیرعملیاتی در این مدل چندان تفسیرپذیر نیست.

برای عدم رد فرضیه اول باید ضریب اثرات تعاملی هزینه‌های غیرعملیاتی و بیش‌اعتمادی مدیران (NOE*OverConfidence) در مدل (۱-الف) و (۱-ب) باید علامت معکوس داشته باشد و به ترتیب مثبت و منفی

باشد. نتایج نگاره (۲) نشان می‌دهد ضریب اثرات تعاملی در مدل (۱-الف) و بر اساس هر دو شاخص بیش‌اعتمادی مدیران مثبت و معنادار است (به ترتیب ضریب آن‌ها ۲/۳۳۳ و ۲/۳۵۳ و آماره t آن‌ها ۴/۱۳ و ۴/۲۶۲ است). در واقع، بیش‌اعتمادی مدیران به افزایش تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها منتج می‌شود. همچنین، ضریب اثرات تعاملی در مدل (۱-ب) و بر اساس هر دو شاخص بیش‌اعتمادی مدیران منفی و معنادار است و می‌توان گفت مدیران بیش‌اعتماد به تغییر طبقه‌بندی اقدام می‌کنند و طی زمان، این تغییر طبقه‌بندی به تدریج کاهشی می‌شود؛ از این رو، فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود.

نگاره ۲: نتایج فرضیه اول پژوهش

Table 2: Results of the first research hypothesis

مدل (۱-الف) (متغیر وابسته: UE_CE)				مدل (۱-ب) (متغیر وابسته: UE_ACE_{t+1})				متغیر
ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	
۱/۳۵۲**	۵/۲۳۸	۰/۷۶۵**	۳/۹۱۳	-۰/۹۱۲**	-۳/۵۵۵	-۰/۵۹۰**	-۳/۴۵۵	NOE
۰/۰۰۶**	۲/۰۲۳			-۰/۰۰۴	-۱/۲۲۲			OverConfidence1
۲/۳۳۳**	۴/۴۱۳			-۱/۷۳۷**	-۳/۳۱۷			NOE*OverConfidence1
		۰/۰۲۹**	۸/۴۹۳			-۰/۰۱۹**	-۶/۳۵۵	OverConfidence2
		۲/۳۵۳**	۴/۲۶۲			-۱/۰۳۳*	-۱/۸۶۱	NOE*OverConfidence2
۰/۰۰۲	۱/۲۸۴	۰/۰۰۲	۱/۰۸۸	-۰/۰۰۳*	-۱/۷۵۹	-۰/۰۰۳**	-۲/۰۸۷	SIZE
۰/۰۱۵	۱/۵۰۹	۰/۰۱۱	۱/۰۹۹	-۰/۰۱۲	-۱/۳۵۹	-۰/۰۰۷	-۰/۷۲۳	LEV
-۰/۰۱۹**	-۲/۸۵۱	-۰/۰۲۵**	-۳/۵۷۹	۰/۰۱۸**	۳/۵۹۰	۰/۰۲۶**	۲/۴۷۷	GROWTH
-۰/۰۰۳	-۰/۹۰۷	-۰/۰۰۷**	-۳/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۳۶۰	۰/۰۰۵	۱/۲۹۰	AGE
۰/۱۹۸**	۵/۴۲۴	۰/۲۱۵**	۹/۱۰۷	-۰/۱۶۴**	-۱۰/۲۹۴	-۰/۱۷۵**	-۸/۲۷۵	ROA
-۰/۰۷۴**	-۲/۷۹۶	-۰/۰۵۲**	-۲/۰۰۱	۰/۰۸۴**	۲/۸۹۰	۰/۰۷۵**	۲/۶۶۵	β_0
کنترل شد				کنترل شد				Industry&Year
۱۱/۹۶۰				۱۵/۳۶۹				آماره F
۰/۰۰۰				۰/۰۰۰				احتمال آماره F
۰/۲۱۵				۰/۲۶۴				ضریب تعیین تعدیل شده

* و ** به ترتیب معناداری در سطح احتمال ۹۰ درصد و ۹۵ درصد را نشان می‌دهند.

فرضیه دوم

نتایج آزمون فرضیه دوم در نگاره (۳) نشان می‌دهد ضریب اثرات تعاملی قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، هزینه‌های غیرعملیاتی و بیش‌اعتمادی مدیران ($FSC*NOE*OverConfidence$) در مدل (۲-الف) فقط بر اساس شاخص اول بیش‌اعتمادی مدیران منفی (۱۲/۹۸۴-) و معنادار ($t = -۳/۱۲۵$) است؛ به این ترتیب، می‌توان دریافت قابلیت مقایسه صورت‌های مالی اثرات مثبت بیش‌اعتمادی مدیران بر تغییر طبقه‌بندی را کاهش می‌دهد؛ از این رو، فرضیه دوم تأیید می‌شود. به همین ترتیب، در مدل (۲-ب)، ضریب اثرات تعاملی قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، هزینه‌های غیرعملیاتی و بیش‌اعتمادی مدیران بر اساس هر دو شاخص بیش‌اعتمادی به ترتیب در سطح احتمال ۹۰ درصد و ۹۵ درصد مثبت و معنادار است؛ از این رو، می‌توان گفت قابلیت مقایسه صورت‌های مالی اثرات کاهشی

تغییر طبقه‌بندی را در طی زمان تضعیف می‌کند. در حالت کلی، می‌توان گفت قابلیت مقایسه صورت‌های مالی همانند یک مانع برای بیش‌اعتمادی مدیران در راستای تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها و تدریج کاهش آن‌ها در طول زمان عمل می‌کند؛ از این رو، فرضیه دوم در حالت کلی رد نمی‌شود.

نگاره ۳: نتایج فرضیه دوم پژوهش

Table 3: Results of the second research hypothesis

مدل (۲-الف) (متغیر وابسته: UE_CE)				مدل (۲-ب) (متغیر وابسته: UE_ΔCE _{t+1})				متغیر
ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	
۱/۲۲۷**	۴/۵۵۴	۰/۷۲۰**	۲/۸۱۱	-۰/۹۰۶**	-۳/۲۴۰	-۰/۵۲۵**	-۳/۹۳۵	NOE
۰/۰۰۵**	۲/۰۸۰			-۰/۰۰۴	-۱/۲۳۰			OverConfidence1
۲/۱۴۲**	۴/۴۵۵			-۱/۵۲۸**	-۲/۷۷۹			NOE*OverConfidence1
		۰/۰۲۸**	۸/۰۱۱			-۰/۰۱۹**	-۴/۷۵۰	OverConfidence2
		۲/۱۰۶**	۴/۱۵۹			-۰/۷۳۸	-۱/۲۴۹	NOE*OverConfidence2
-۰/۰۹۸**	-۶/۶۷۶	-۰/۰۹۶**	-۶/۸۲۴	۰/۰۹۲**	۶/۸۰۷	۰/۰۸۹**	۶/۱۹۸	FSC
-۳/۰۱۵*	-۱/۹۳۲	-۱/۰۵۲	-۰/۵۸۵	۰/۹۷۰	۰/۵۷۴	-۱/۲۶۵	-۰/۴۸۸	FSC*NOE
۰/۰۱۵	۰/۶۴۲			-۰/۰۱۷	-۰/۵۳۸			FSC*OverConfidence1
-۱۲/۹۸۴**	-۳/۱۲۵			۷/۹۴۶*	۱/۹۳۰			FSC*NOE*OverConfidence1
		۰/۰۴۶*	۱/۷۳۸			-۰/۰۷۶**	-۶/۵۸۴	FSC*OverConfidence2
		۲/۰۰۰	۰/۵۲۸			۶/۲۱۸**	۲/۲۰۸	FSC*NOE*OverConfidence2
۰/۰۰۲	۰/۸۴۱	۰/۰۰۲	۰/۸۰۰	-۰/۰۰۳	-۱/۴۹۲	-۰/۰۰۳**	-۲/۷۵۱	SIZE
۰/۰۱۷	۱/۶۰۸	۰/۰۱۱	۱/۰۱۹	-۰/۰۱۳	-۱/۱۱۶	-۰/۰۰۵	-۰/۶۳۲	LEV
-۰/۰۲۳**	-۳/۵۲۵	-۰/۰۲۷**	-۴/۲۰۰	۰/۰۲۲**	۳/۰۳۹	۰/۰۲۵**	۲/۷۴۱	GROWTH
-۰/۰۰۶	-۱/۵۵۲	-۰/۰۰۷**	-۲/۶۵۵	۰/۰۰۴	۰/۹۹۹	۰/۰۰۵	۱/۲۹۳	AGE
۰/۲۰۸**	۵/۹۷۷	۰/۲۲۰**	۶/۶۶۰	-۰/۱۷۱**	-۵/۰۹۶	-۰/۱۷۷**	-۷/۵۶۶	ROA
-۰/۰۶۶**	-۲/۳۱۰	-۰/۰۶۰**	-۱/۹۷۱	۰/۰۸۳**	۲/۶۳۱	۰/۰۸۵**	۴/۱۰۲	β_0
Industry&Year				کنترل شد				
F آماره				۱۱/۹۶۰				۱۱/۵۷۹
احتمال آماره F				۰/۰۰۰				۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل‌شده				۰/۲۱۵				۰/۲۱۸

* و ** به ترتیب معناداری در سطح احتمال ۹۰ درصد و ۹۵ درصد را نشان می‌دهند.

نتیجه‌گیری

تغییر طبقه‌بندی به طرز جالب توجه کیفیت سود اصلی را به خطر می‌اندازد و به اطلاعات گمراه‌کننده درباره عملکرد عملیاتی شرکت‌ها منجر می‌شود. در مطالعات گذشته، عمدتاً بر مدیریت سود تعهدی و واقعی تأکید شده است و به تغییر طبقه‌بندی کمتر توجه شده است. همچنین، نقش بیش‌اعتمادی مدیران بر تغییر طبقه‌بندی کمتر مورد توجه بوده است؛ به همین دلیل، پژوهش حاضر تأثیر بیش‌اعتمادی مدیران بر تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها را بررسی کرده است. نتایج این پژوهش نشان داد بیش‌اعتمادی مدیران به افزایش تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها منتج می‌شود. علاوه بر

این، مدیران بیش‌اعتماد به تغییر طبقه‌بندی اقدام می‌کنند و در طی زمان، این تغییر طبقه‌بندی به‌تدریج کاهشی می‌شود. این نتایج با مطالعات چوی و همکاران و تا حدودی با مطالعات مولچاندانی و مولچاندانی، آناگنستوپولو و مالیکوف و ابراهیمی مطابقت دارد (Mulchandani & Mulchandani, 2022; Anagnostopoulou & Malikov, 2023; Choi et al., 2024; ابراهیمی، ۱۳۹۵).

در واقع، تغییر طبقه‌بندی ممکن است پیامد مستقیم و غیرعمدی سوگیری شناختی مدیران با اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد باشد. مدیران با اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد، با تمایل خود به دست‌کم گرفتن احتمال وقوع رویدادهای نامطلوب، ممکن است هزینه‌های عملیاتی را هزینه‌های غیرعملیاتی تصور کنند؛ زیرا اعتماد بیش‌ازحد آن‌ها به طور طبیعی آن‌ها را به این باور می‌رساند که اقلام کاهشی سود تداوم پیدا نمی‌کنند. همچنین، مدیران با اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد ممکن است آگاهانه و عمدتاً هزینه‌های عملیاتی را به عنوان اقلام غیرعملیاتی طبقه‌بندی کنند تا سودهای اصلی را افزایش دهند. مدیران با اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد سوگیری بیش‌ازحد خوش‌بینانه درباره توانایی‌های خود و عملکرد آینده خود دارند؛ در نتیجه، ممکن است عمدتاً در تغییر طبقه‌بندی شرکت کنند تا پیش‌بینی‌های مغرضانه و بیش‌ازحد خوش‌بینانه خود را برآورده کنند.

این پژوهش همچنین این موضوع را بررسی کرد که اگر صورت‌های مالی شرکت‌ها با همتایان آن‌ها در صنعت مقایسه شوند، رابطه بین اعتماد بیش‌ازحد مدیریتی و تغییر طبقه‌بندی ممکن است متفاوت باشد؛ زیرا نظارت قوی‌تر به فرصت‌های کمتر برای مدیریت سود منجر می‌شود. نتایج پژوهش حاضر نیز نشان داد قابلیت مقایسه صورت‌های مالی همانند یک مانع برای بیش‌اعتمادی مدیران در راستای تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها و تدریج کاهشی آن در طول زمان عمل می‌کند. این نتایج نیز هم‌راستا با مطالعات چوی و همکاران و همچنین چن و همکاران و چوی و همکاران است (Chen et al., 2018; Choi et al., 2019; Choi et al., 2024). در واقع، قابلیت مقایسه بیشتر صورت‌های مالی از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعات به نفع کاربران اطلاعات خارج از شرکت است و به نظارت قوی‌تر توسط بازار منجر می‌شود؛ بنابراین، اگر صورت‌های مالی شرکت‌ها با همتایان آن‌ها در صنعت مقایسه‌پذیرتر باشند، رابطه بین اعتماد بیش‌ازحد مدیریتی و تغییر طبقه‌بندی کمتر خواهد شد؛ زیرا نظارت قوی‌تر به فرصت‌های کمتر برای مدیریت سود منجر می‌شود.

پیشنهادهای پژوهش

پیشنهادهای کاربردی

بر اساس دیدگاه‌ها و نتایج به‌دست‌آمده، می‌توان دریافت ویژگی‌های روان‌شناختی مدیران از جمله اعتمادبه‌نفس زیاد، نقشی مهم در توضیح شیوه تغییر طبقه‌بندی شرکت‌ها ایفا می‌کنند و ممکن است نتایج عملیات اصلی شرکت را تحت تأثیر قرار دهند؛ از این رو، به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان مالی توصیه می‌شود به موضوع تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها توجهی ویژه داشته باشند. به حساب‌برسان پیشنهاد می‌شود نسبت به تغییر طبقه‌بندی اقلام سود و زیان حساسیت بیشتری داشته باشند تا انجام تغییر فرصت‌طلبانه محدود شود. به علاوه، در شرکت‌های با قابلیت مقایسه کمتر، مدیران باید موضوع تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها را دقیق‌تر مدنظر قرار دهند تا از این طریق، مسئولیت حسابرسی

خود را به نحو احسن انجام دهند. به تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و سایر مراجع ذی‌ربط توصیه می‌شود به منظور افزایش کیفیت گزارشگری مالی و عدم ارائه گزارش‌های جانبدارانه از طریق تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها شرکت‌ها را ملزم کنند تا در صورت بااهمیت بودن مبلغ تغییر طبقه‌بندی افشای اطلاعات لازم در این باره انجام شود.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

در نهایت، به پژوهشگران توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی، تأثیر توانایی مدیران، حساسیت پاداش هیئت‌مدیره به سود عملیاتی بر رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیران و تغییر طبقه‌بندی هزینه‌ها و همچنین، تأثیر بیش‌اعتمادی مدیران بر تغییر طبقه‌بندی اقلام سود و زیان در طول چرخه عمر شرکت‌ها را بررسی کنند.

منابع

- ابراهیمی، سید کاظم (۱۳۹۵). تأثیر بیش‌اطمینانی مدیران بر مدیریت سود واقعی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. چشم‌انداز مدیریت مالی، ۶(۱۵)، ۲۳-۹. https://jfmpr.sbu.ac.ir/article_94950.html
- افلاطونی، عباس، ارجمند، فاطمه، و مهدی قلی، مینا (۱۴۰۲). بررسی رفتار تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان: تأثیر دوره تصدی مدیرعامل. حسابداری مالی، ۱۵(۵۸)، ۷۶-۹۰. <http://qfaj.mobarakeh.iau.ir/article-1-2674-fa.html>
- اکبری، زهرا، مهربان‌پور، محمدرضا، جهانگیرنیا، حسین، و غلامی جمکرانی، رضا (۱۳۹۹). فراتحلیل رابطه محافظه‌کاری و قابلیت مقایسه با مدیریت سود در ایران. حسابداری مدیریت، ۱۳(۴۷)، ۲۰۷-۲۲۰. <https://sanad.iau.ir/fa/Article/816815>
- بشیری‌منش، نازنین، و شهنازی، حسین (۱۴۰۱). تأثیر تورش‌های رفتاری سرمایه‌گذاران و مدیران بر حباب قیمتی سهام در بازار سرمایه ایران. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار (مطالعات مالی)، ۱۴(۵۳)، ۱۵-۳۲. <https://doi.org/10.30495/jfksa.2022.20210>
- بولو، قاسم، مرفوع، محمد، و قهرمانی، آرین (۱۳۹۹). تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری بر هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت‌ها با توجه به نقش عدم تقارن اطلاعاتی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۷(۶۸)، ۳۳-۶۵. <https://doi.org/10.22054/qjma.2021.39721.1957>
- ثقفی، علی، و جمالیان‌پور، مظفر (۱۳۹۷). جایگاه پدیده تغییر طبقه‌بندی در مدیریت سود. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۴(۵۷)، ۱-۲۳. <https://doi.org/10.22054/qjma.2018.8911>
- جودکی، زهرا و حیدری، زهرا (۱۴۰۱). مسئولیت اجتماعی شرکت و دست‌کاری سود عملیاتی از طریق تغییر طبقه‌بندی هزینه‌های عملیاتی. یازدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و بانکداری. <https://civilica.com/doc/1492753/>
- حاجیه‌ها، زهره، و چناری، حسن (۱۴۰۲). تأثیر قابلیت مقایسه حسابداری بر کیفیت گزارشگری مالی با تأکید بر کیفیت حسابرسی. قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری، ۲(۵)، ۸۷-۱۰۶. <https://doi.org/10.30495/jdaa.2023.699869>

- رضایی پیتنه‌نوئی، یاسر، و عبداللهی، احمد (۱۳۹۸). قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و احتمال گزارشگری متقلبانه. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۱(۲)، ۸۹-۱۰۴. <https://doi.org/10.22108/far.2019.115495.1413>
- سجادی، زانیار، پاریاد، احمد، و بالانی، افشین (۱۴۰۱). تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر رابطه بین ساختار مالکیت و تغییر طبقه‌بندی سود. *دانش حسابداری*، ۱۳(۱)، ۱۶۷-۱۸۴. <https://civilica.com/doc/1460547>
- شیرزادی، یاسر، متین‌فرد، مهران، و حسنی، محمد (۱۴۰۳). آزمون تجربی تغییر طبقه‌بندی اقلام سود و زیانی در عرضه‌های عمومی اولیه با توجه به سن و اندازه. *بورس اوراق بهادار*، ۱۶(۶۲)، ۴۰۳-۴۰۹. <https://doi.org/10.22034/jse.2022.12080.2058>
- گرچی، فیروزه، رخشانی، محمودرضا، و نجفی‌زاده، علی (۱۳۹۹). بررسی تأثیر تغییر مدیریت بر مدیریت سود. *چهارمین کنفرانس ملی پژوهش در حسابداری و مدیریت*، اصفهان. <https://civilica.com/doc/1036627>
- ویسی‌زاده، هنگامه، و صالحی، اله‌کرم (۱۴۰۱). تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ساختار سررسید بدهی‌ها با تأکید بر نقش بیش‌اعتمادی مدیران. *پژوهش‌های مالی و رفتاری در حسابداری*، ۲(۱)، ۹۰-۱۰۹. <https://doi.org/10.30486/fbra.2021.1933854.1015>
- هاشمی، سید عباس، و ربیعی، حامد (۱۳۹۲). تحلیل مدیریت سود با استفاده از تغییر طبقه‌بندی هزینه‌های عملیاتی به هزینه‌های غیرعملیاتی در میان‌دوره‌های مالی. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۵(۱۸)، ۴-۱۷. <https://doi.org/10.22034/iaar.2013.104541>

References

- Aflatooni, A., Arjmand, F., & Mahdigholi M. (2023). Examining Classification Shifting Behavior of Earnings Statement items: The Effect of the CEO Tenure. *Financial Accounting*, 15(58), 76-90. [In Persian] <http://qfaj.mobarakeh.iau.ir/article-1-2674-fa.html>
- Akbari, Z., Mehrabanpour, M. R., Jahangirnia, H., & Gholami Jamkarani, R. (2019). Meta-analysis of the relationship of conservatism and comparability with earnings management in Iran. *Management Accounting*, 13(47), 207-220. [In Persian] <https://sanad.iau.ir/fa/Article/816815>
- Anagnostopoulou, S. C., & Malikov, K. T. (2023). The real consequences of classification shifting: Evidence from the efficiency of corporate investment. *European Accounting Review*, 1-29. <https://doi.org/10.1080/09638180.2023.2200199>
- Bansal, M. (2021). Impact of corporate life cycle on misclassification practices: evidence from IFRS adoption in India. *Journal of Applied Accounting Research*, 23(3), 628-649. <https://doi.org/10.1108/JAAR-03-2021-0069>
- Bansal, M., & Bashir, H. A. (2023). Business strategy and classification shifting: Indian evidence. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 13(1), 69-92. <https://doi.org/10.1108/JAEE-03-2021-0099>
- Barua, A., Lin, S., & Sbaraglia, A. M. (2010). Earnings management using discontinued operations. *The Accounting Review*, 85(5), 1485-1509. <https://doi.org/10.2308/accr.2010.85.5.1485>
- Bashiri Manesh, N., & Shahnazi, H. (2022). The effect of the behavior patterns of investors and managers on the stock price bubble in the Iranian capital market. *Financial knowledge of securities analysis (financial studies)*, 14(53), 15-32. [In Persian] <https://doi.org/10.30495/jfksa.2022.20210>
- Black, E. L., Christensen, T. E., Taylor Joo, T., & Schmardebeck, R. (2017). The relation between earnings management and non-GAAP reporting. *Contemporary Accounting Research*, 34(2), 750-782. <https://doi.org/10.1111/1911-3846.12284>
- Blue, G., Marfou, M., & Ghahremani, A. (2020). The Effect of Accounting Information Quality on the Companies' Cost of Equity, Considering the Role of Information Symmetry and Comparability of Financial Statements. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 17(68), 33-65. [In Persian]

- <https://doi.org/10.22054/qjma.2021.39721.1957>
- Cain, C. A., Kolev, K. S., & McVay, S. (2020). Detecting opportunistic special items. *Management Science*, 66(5), 2099-2119. <https://doi.org/10.1287/mnsc.2019.3285>
- Chen, C. W., Collins, D. W., Kravet, T. D., & Mergenthaler, R. D. (2018). Financial statement comparability and the efficiency of acquisition decisions. *Contemporary Accounting Research*, 35(1), 164-202. <https://doi.org/10.1111/1911-3846.12380>
- Choi, H., Gan, H., & Suh, S. (2024). Managerial overconfidence and classification shifting. *Journal of Accounting and Public Policy*, 43, 107176. <https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2023.107176>
- Choi, J. H., Choi, S., Myers, L. A., & Ziebart, D. (2019). Financial statement comparability and the informativeness of stock prices about future earnings. *Contemporary Accounting Research*, 36(1), 389-417. <https://doi.org/10.1111/1911-3846.12442>
- De Franco, G., Kothari, S. P., & Verdi, R. S. (2011). The benefits of financial statement comparability. *Journal of Accounting Research*, 49(4), 895-931. <https://doi.org/10.1111/j.1475-679X.2011.00415.x>
- Ebrahimi, S. K. (2015). The effect of managers' overconfidence on real profit management of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Financial Management Perspective*, 6(15), 9-23. [In Persian] https://jfm.sbu.ac.ir/article_94950.html
- Fan, Y., & Liu, X. (2017). Misclassifying core expenses as special items: Cost of goods sold or selling, general, and administrative expenses?. *Contemporary Accounting Research*, 34(1), 400-426. <https://doi.org/10.1111/1911-3846.12234>
- Financial Accounting Standards Board. (1984). *Accounting standards: original pronouncements*. The Board. <https://ISBN-13:978-0070209190>
- Francis, J., Huang, A. H., Rajgopal, S., & Zang, A. Y. (2008). CEO reputation and earnings quality. *Contemporary Accounting Research*, 25(1), 109-147. <https://doi.org/10.1506/car.25.1.4>
- Frankel, R., McVay, S., & Soliman, M. (2011). Non-GAAP earnings and board independence. *Review of Accounting Studies*, 16, 719-744. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11142-011-9166-3>
- Gorji, F., Rakhshani, M. R., & Najafizadeh, A. (2019). *Investigating the impact of management change on profit management*. 4th National Research Conference on Accounting and Management, Isfahan. [In Persian] <https://civilica.com/doc/1036627>
- Ha, K., & Thomas, W. B. (2020). Classification shifting and earnings predictability. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*. <https://doi.org/10.1177/0148558X231210>
- Hajiha, Z., & Chenari, H. (2024). The effect of comparability of accounting on the quality of financial reporting with an emphasis on audit quality. *Judgment and Decision Making in Accounting*, 2(5), 87-106. [In Persian] <https://doi.org/10.30495/jdaa.2023.699869>
- Hasan, M. M., & Habib, A. (2017). Corporate life cycle, organizational financial resources and corporate social responsibility. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 13(1), 20-36. <https://doi.org/10.1016/j.jcae.2017.01.002>
- Hastorf, A., Schneider, D., & Polefka, J. (1970). *Person Perception*. Addison-Wesley, Reading, MA. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=2146360>
- Haw, I. M., Ho, S. S., & Li, A. Y. (2011). Corporate governance and earnings management by classification shifting. *Contemporary Accounting Research*, 28(2), 517-553. <https://doi.org/10.1111/j.1911-3846.2010.01059.x>
- Hwang, J., Choi, S., Choi, S., & Lee, Y. G. (2022). Corporate social responsibility and classification shifting. *Journal of Accounting and Public Policy*, 41(2), 106918. <https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2021.106918>
- Jodaki Chegani, Z., & Heydari Sureshjani, Z. (2022). *Corporate social responsibility and manipulation of operating profit through changing the classification of operating costs*. 11th International Conference on New Researches in Management, Economics, Accounting and Banking. [In Persian] <https://civilica.com/doc/1492753/>
- Jones, D. A., & Smith, K. J. (2011). Comparing the value relevance, predictive value, and persistence of other comprehensive income and special items. *The Accounting Review*, 86(6), 2047-2073. <https://doi.org/10.2308/accr-10133>
- Kim, J. B., Li, L., Lu, L. Y., & Yu, Y. (2016). Financial statement comparability and expected crash

- risk. *Journal of Accounting and Economics*, 61(2-3), 294-312. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2015.12.003>
- Martens, W., Yapa, P. W., & Safari, M. (2020). The impact of financial statement comparability on earnings management: Evidence from frontier markets. *International Journal of Financial Studies*, 8(4), 73. <https://doi.org/10.3390/ijfs8040073>
- Marzouki, A., & Ben Amar, A. (2024). Managerial overconfidence, earnings management and the moderating role of business ethics: evidence from the Stoxx Europe 600. *International Journal of Ethics and Systems*. <https://doi.org/10.1108/IJOES-01-2024-0009>
- McVay, S. E. (2006). Earnings management using classification shifting: An examination of core earnings and special items. *The accounting review*, 81(3), 501-531. <https://doi.org/10.2308/accr.2006.81.3.501>
- Mulchandani, K., & Mulchandani, K. (2022). Do independent directors and big-4 audit firms limit classification shifting: evidence from Indian firms? *Managerial Finance*, 48(12), 1754-1770. <https://doi.org/10.1108/MF-04-2022-0173>
- Nam, J. S., & Thompson, R. A. (2023). Does financial statement comparability facilitate SEC oversight?. *Contemporary Accounting Research*, 40(2), 1315-1349. <https://doi.org/10.1111/1911-3846.12835>
- Petersen, M. A. (2009). Estimating standard errors in finance panel data sets: Comparing approaches. *The Review of financial studies*, 22(1), 435-480. <https://doi.org/10.1093/rfs/hhn053>
- Pierk, J. (2021). Big baths and CEO overconfidence. *Accounting and Business Research*, 51(2), 185-205. <https://doi.org/10.1080/00014788.2020.1783634>
- Rezaei Pitenoei, Y., & Abdollahi, A. (2019). Financial statements comparability and the likelihood of fraudulent reporting. *Financial Accounting Research*, 11(2), 89-104. [In Persian] <https://doi.org/10.22108/far.2019.115495.1413>
- Sajadi, Z., Pariad, A., & Balani, A. (2022). The effect of board characteristics on the relationship between ownership structure and profit classification change. *Journal of Accounting Knowledge*, 13(1), 167-184. [In Persian] <https://civilica.com/doc/1460547/>
- Schipper, K. (1989). Commentary on earnings management. *Accounting horizons*, 3(4). <https://openurl.ebsco.com>
- Schrand, C. M., & Zechman, S. L. (2012). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53(1-2), 311-329. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2011.09.001>
- Securities and Exchange Commission (SEC). (2000). *Office of the Chief Accountant: Letter: 2000 Audit Risk Alert to the American Institute of Certified Public Accountants*. <https://www.sec.gov/info/accountants/staffletters/audrsk2k.htm>
- Thaghafi, A., & Jamalipour, M. (2017). Place of classification change phenomenon in earnings management. *Empirical studies of financial accounting*, 14(57), 1-23. [In Persian] <https://doi.org/10.22054/qjma.2018.8911>
- Veysizadeh, H., & Salehi, A. K. (2022). The effect of the comparability of financial statements on the maturity structure of debts with an emphasis on the role of managers' overconfidence. *Financial and Behavioral Research in Accounting*, 2(1), 90-109. [In Persian] <https://doi.org/10.30486/fbra.2021.1933854.1015>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی